

تبیین وجوه سلبی مدیریت در نهج البلاغه

سید محمد حسین کمانی* / لیلا کشاورزی**

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۱۵

چکیده:

در نهج البلاغه وجوه سلبی مدیریت در مقایسه با وجوه ایجابی که به صورت مدون گردآوری شده، مورد توجه جدی قرار نگرفته است. پژوهش حاضر، وجوه سلبی مدیریت از منظر امام علی (ع) در نهج البلاغه و شرح آن را بررسی کرده است و ۴۴۰ مورد وجوه سلبی مدیریت را از طریق مطالعه هدفمند و شیوه تحلیل محتوای ترکیبی با تأکید بر شمارش واحدهای تحلیل (واژه‌ها) در بخش کمی و تحلیل مفهومی در بخش کیفی از منابع مذکور استخراج کرده است. کلیه وجوه سلبی برآمده از نهج البلاغه بر اساس اشتراک‌هایی چون منشأ، اثر و رابطه علی و معلولی در ۲۰ گروه خلاصه شده‌اند. نتایج پژوهش حاکی از آن است که می‌توان این ۲۰ گروه را در اصل جهل و در ذیل آن ظلم و بی‌عدالتی تقسیم نمود و از آنجا که واژه جهل در کتاب‌های منتخب نهج البلاغه و شرح آن بیشتر تکرار شده است، می‌توان آن را به‌عنوان یکی از مهمترین وجوه سلبی در نظر گرفت. جهل گسترده‌ای گسترده‌ای از معانی را در بر گرفته و نباید آن را به‌معنای موجود و متعارف آن محدود کرد. ظلم و بی‌عدالتی نیز در وجوه سلبی در رتبه بعدی قرار دارد که اهمیت ویژه‌ای در تثبیت حاکمیت در سطح کلان و مدیریت خرد و در سطح سازمان دارد.

کلید واژگان:

نبایده‌های مدیریت، تحلیل محتوا، نهج البلاغه.

* kamani@pnu.ac.ir

** leilakeshavarzi@yahoo.com

*. استادیار، گروه مدیریت، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

** . کارشناسی ارشد مدیریت، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

۱. مقدمه

کنکاش‌های پژوهش‌گران مدیریت اسلامی در نهج البلاغه، غالباً بر وجوه ایجابی یا به عبارتی بایدهای مدیریت تمرکز داشته‌اند، از این رو نیابدهای مدیریت در مقایسه با بایدها در هاله‌ای از ابهام قرار گرفته و به آن کمتر توجه شده است. با توجه به این که وجوه سلبی مدیریت در مقایسه با وجوه ایجابی آن کمابیش مورد غفلت قرار گرفته است؛ به منظور درک و فهم بهتر این مهم لازم است هر دو وجه ایجابی و سلبی در مدیریت مورد توجه قرار گیرد.

نقطه عزیمت این بحث به مفهوم مدیریت اسلامی اختصاص داده شده است. مدیریت در جامعه اسلامی با اخلاق، رفتار و ارزش‌های اسلامی آمیخته بوده و این ارزش‌ها مدیریت اسلامی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. درک خوبی اخلاق نیک و بدی اخلاق رذیله، در فطرت بشر نهاده شده است. انسان با تأمل و تفکر می‌تواند به شناخت آنها دست یابد؛ ولی معمولاً اسیر خواسته‌های نفسانی و غرایز است. در نتیجه در شناخت فضایل و رذایل دچار اشتباه می‌شود (امینی، ۱۳۸۸: ۳۸).

با توجه به دیدگاه‌های مختلف در مورد اصول مدیریت مبتنی بر ارزش‌های اسلامی، می‌توان گفت مدیریت نیز مانند سایر امور فردی و اجتماعی دارای اصول و ضوابطی است که اگر مدیر در چارچوب آن اصول حرکت کند، می‌تواند سازمان و تشکیلات را به مقصد نهایی رهنمون سازد و اگر از آن اصول و ضوابط خارج شود و به شیوه‌ها و روش‌های نامطلوب برای وصول به هدف متوسل گردد؛ آفتی مخرب دامن‌گیر سازمان و تشکیلات خواهد شد و در نتیجه انحطاط و اضمحلال سازمان را در پی خواهد داشت. امام علی علیه السلام در سخن زیبایی این حقیقت را چنین بیان فرموده است: «سوء التَّدبیر، سَبَبُ التَّدمیر»؛ مدیریت و رهبری ناصحیح (سوء مدیریت) موجب سقوط و نابودی است» (امدی، ۱۳۲۰: ۱۳۲؛ ری شهری، ۱۳۹۰: ۱۳۸۵).

دقت‌ها و حساسیت‌هایی که حضرت علی علیه السلام در انتخاب کارگزاران و سپس نظارت بر عملکرد آنان به خرج می‌دادند، حاکی از آن است که اعطای مسئولیت به افراد نالایق و یا واگذاری آن حتی به افراد صالح و متعهد، بدون نظارت بر عملکرد آنان نتیجه‌ای جز فروپاشی و زوال تدریجی حکومت را در پی نخواهد داشت (پورطهماسی و تاجور، ۱۳۸۹: ۳۹).

۱. غررالحکم - باب تدبیر - ص ۱۹۸

در ادامه خواهیم گفت که برای به کارگیری شایستگان بر مسند امور تنها آگاه ساختن آنها از آنچه باید انجام دهند کفایت نمی کند بلکه شاید در مواردی مهم باشد که بدانند چه کارهایی را نباید انجام دهند. به تعبیری همزمان بدانند چه صفاتی را بگیرند و از چه ردایی برخوردار باشند.

۲. بیان مساله

انسان موجودی اجتماعی است. از این روی، سعادتش، آرمان‌هایش، ملاک‌های خیر و شرش، راه و روشش، انتخاب وسیله‌اش، با سعادت‌ها و آرمان‌ها و ملاک‌های خیر و شر و راه و روش‌ها و انتخاب وسیله‌های دیگران آمیخته است. نمی‌تواند راه خود را مستقل از دیگران برگزیند و سعادت خود را باید در شاهراهی جستجو کند که جامعه را به سعادت و کمال برساند. اینجاست که نیاز به یک مکتب و ایدئولوژی، ضرورت خود را می‌نماید (شهید مطهری، ۱۳۷۴: ۵۴).

ایدئولوژی را مجموعه‌ای از بایدها و نبایدها دانسته‌اند. چه هدفی را باید انتخاب کرد؟ چه راهی را در زندگی باید در پیش گرفت؟ چه چیز خوب است و چه چیز بد؟ پاسخ همه این‌گونه سؤالات را باید از ایدئولوژی گرفت (سادات و جواهریان، ۱۳۷۲: ۱۰). آن‌گونه که از مفهوم ایدئولوژی برمی‌آید، صرفاً "بایدها" نیستند که کفایت معنا را محقق می‌سازند بلکه در کنار آن "نبایدها" هم در نیل به شناخت مطلوب‌تر و طی طریق بهتر نقش‌آفرین هستند.

اصول مطرح شده در علوم اداری و رویکرد مدیریت اثبات‌گرا مورد نقد واقع شده است؛ از جمله اینکه این اصول به ما می‌آموزند چه کارهایی را و چگونه باید انجام دهیم، اما آنچه نباید کرد کمتر آموخته می‌شود (آستن، ۱۳۷۷: ۲۰). البته آنچه آستن به آن اشاره می‌کند در مورد سایر مکاتب مدیریت نیز کمابیش صادق است و عموماً بایدها بیشتر مورد توجه قرار گرفته است.

اصطلاح بیماری‌های مدیریت به شکلی نظام‌مند توسط چارلز آستن^۱ در سال ۱۹۶۶ مطرح شد. آستن بدون اشاره به این که در تدوین مطالب خود از کدام روش بهره برده است، بیماری‌ها را ذیل سه طبقه دسته‌بندی کرده است: زخم زدن بر خود، زخم زدن بر همکاران و زخم زدن بر سازمان خود (آستن، ۱۳۷۷: ۲۵-۱۷۹).

به دست ندادن شاخص‌ها و معیارهایی که چگونه بیماری‌ها در طبقات سه‌گانه قرار گرفته‌اند، از جمله ایراداتی است که می‌تواند در جای خود مورد بررسی قرار گیرد. به هر حال از آنجا که غالب

1. Management's Self-Inflicted Wounds

پژوهش‌های صورت‌گرفته در مدیریت تأکید بر تبیین و تجویز باید‌هاست بعضاً موجب غفلت از نیابسته‌هایی شده است که آگاهی از آنها موجب درک عمیق‌تری از مباحث مدیریتی می‌گردد. مدیریت در آموزه‌های اسلامی دارای اصولی است که علاوه بر تأکید بر ویژگی‌های مثبت، به صراحت به رفتارهایی که باید از آنها پرهیز شود نیز اشاره شده است. در نامه ۵۳ نهج البلاغه، امام علی علیه السلام به مالک اشتر هشدار می‌دهد که حاکم نباید گرفتار خود کامگی، ستمگری و بی‌توجهی به حقوق مردم شود. همچنین خود برتر بینی و خود محوری را موجب تفرقه و نابودی عدالت می‌داند (نامه ۵۳). مسأله اصلی این پژوهش بررسی نیابدهای مدیریتی در نهج البلاغه است. دردنیای امروز، با وجود پیشرفت‌های علمی و تکنولوژیکی، مشکلاتی نظیر فساد، تبعیض و ناکارآمدی همچنان در ساختارهای مدیریتی دیده می‌شود. ضرورت دارد که این آموزه‌های اخلاقی و مدیریتی در قالبی علمی تحلیل شوند تا به عنوان الگویی کاربردی برای مدیریت در جامعه امروز به کار گرفته شود.

باتوجه به موضوع مورد بررسی در این مقاله به این امر پرداخته می‌شود که وجوه سلبی مدیریت در نهج البلاغه چیست؟ آیا وجوه سلبی مدیریت در نهج البلاغه قابل طبقه‌بندی می‌باشند؟ در صورتی که وجوه سلبی طبقه‌بندی شوند، آیا طبقه‌بندی آن منتج به نتیجه‌ای خاص می‌شود؟ و در نهایت رهیافت تبیین وجوه سلبی مدیریت در نهج البلاغه چیست؟

۳. ضرورت و اهمیت پژوهش

بدون شک آنچه در سعادت جامعه نقش اساسی دارد، شایستگی و جامع‌الشرایط بودن مدیران و کارگزاران آن جامعه است (آقاجانی، ۱۳۸۶). شفیعی (۱۴۰۱: ۸۸-۱) با استناد به فرمایش امیرالمؤمنین علی علیه السلام «حکمت را اخذ کنید اگر چه از اهل شرک باشد.» تأکید می‌کند که فراگیری دانش، از جمله مدیریت، محدود به علوم دینی نیست و باید از هرمنبعی بهره‌مند شد. از دیدگاه حضرت علی علیه السلام خصوصیات رهبر و مدیر را می‌توان به این صورت توضیح داد که هیچ خطری برای جامعه اسلامی، همچون خطر بر سر کار آمدن افراد فاقد اهلیت یا کم‌صلاحیت نیست (جعفری، ۱۳۸۹: ۴۱). حضرت انگیزه خود از پذیرفتن حکومت را چنین بیان می‌دارد: «اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعَلَّمَ أَنَّهُ لَمْ يَكُنِ الَّذِي كَانَ مِنَّا مُتَأَسِّسَةً فِي سُلْطَانٍ وَلَا التَّمَّاسَ شَيْءٍ مِنْ فُضُولِ الْحُطَّامِ، وَ لَكِنْ لِنَرِدَ الْمَعَالِمَ مِنْ دِينِكَ وَ نُظْهِرَ الْإِصْلَاحَ فِي بِلَادِكَ، فَيَأْتَمَنَ الْمَظْلُومُونَ مِنْ عِبَادِكَ وَ تَقَامَ الْمُعْطَلَةُ مِنْ حُدُودِكَ» (خطبه ۱۳۱).



امام علیه السلام صراحتاً پذیرش خلافت را از سر قدرت طلبی یا زیاده جویی از بهره‌های دنیوی نمی‌داند. آنچه در علوم اجتماعی مشهود است و بیشتر بدان توجه شده است آموزش بایدهاست. این علوم به ما می‌آموزند برای برخورداری از یک زندگی اجتماعی مطلوب چه کاری باید انجام داد. اما روی دیگر سکه دانش علوم اجتماعی آموزش نبایدهای زندگی اجتماعی است. آن چیزی که رنگ و بوی آن چندان جلوه‌گر نشده است. تلاش همه تلاش‌گران عرصه دانش و دین شناخت وجوه مختلف پدیده‌ها و پدیدارهایی است که با آن مواجه بوده‌اند. گرچه "تعرف الاشجار به اثمارها" بخشی از شناخت ما را تشکیل می‌دهد؛ لیکن "تعرف الاشیاء به اضدادها" بخش دیگری از معرفت ما را رقم می‌زند.

پژوهش در مورد نبایدهای مدیریت از دیدگاه نهج البلاغه، از دوجنبه اهمیت ویژه‌ای دارد: اول پیشگیری از فساد و ناکارآمدی در مدیریت که بر اساس آن نسبت به ظلم، تبعیض، خودکامگی، فساد مالی و بی‌توجهی به حقوق مردم هشدار داده می‌شود (سید رضی، ۱۳۸۳). این رفتارها از اصلی‌ترین عوامل فروپاشی نظام‌های مدیریتی و کاهش اعتماد عمومی به شمار می‌آیند (جوادی آملی، ۱۳۹۰). دوم ارایه الگوی اخلاق محور برای مدیریت که در آن آموزه‌های نهج البلاغه بر اهمیت رعایت اصول اخلاقی، مشورت، پاسخگویی و عدالت در مدیریت تأکید دارند و می‌توانند الگویی عملی برای ایجاد یک نظام مدیریتی عادلانه و پایدار فراهم کنند.

می‌توان گفت در واقع این نبایدهای علوم اجتماعی است که بایدهای آن را تعریف می‌کند و بدان معنا می‌بخشد. لذا پرداختن به نبایدهای مدیریت در کنار بایدها در نهج البلاغه و گردآوری آنها، درک کامل‌تری از صورت‌بندی الگویی برای مدیریت به دست می‌دهد.

۴. ادبیات پژوهش

۱/۴. مفاهیم

وجوه سلبی مدیریت

وجوه سلبی مدیریت به جنبه‌ها، رویکردها یا عملکردهایی در فرایند مدیریت اشاره دارد که می‌تواند تأثیرات منفی بر سازمان، کارکنان یا اهداف کلی داشته باشد. این وجوه معمولاً از ضعف‌های مدیریتی یا اشتباهات در تصمیم‌گیری و رهبری ناشی می‌شوند.

در اندیشه مولای متقیان علیه السلام هیچ خطری برای جامعه اسلامی همچون خطر برسرکار آمدن افراد فاقد اهلیت یا کم صلاحیت نیست و آن حضرت در نامه‌ای به مصریان که با مالک اشتر فرستاد،

چنین هشدار داده است: « من بیم آن دارم که نابخردان و نابکاران، زمام امور این ملت را به دست آرند و مال خدارادست به دست گردانند و بندگان او را بردگان خود گیرند و باصالحان به دشمنی برخیزند و فاسقان را حزب خود قرار دهند (نامه ۶۲) .

این وجه را برای نیل به کمال انسانی باید مکمل وجه ایجابی قرارداد. با این توضیح که هرچقدر که باید امور ایجابی را به مرحله عمل درآورد باید از امور سلبی پرهیز کرد.

اخلاق سلبی

در اخلاق سلبی فرد از انجام عملی بازداشته می‌شود و هرگاه خود را از ردایل (مهلكات) بازدارد، به اخلاق سلبی متخلق می‌گردد (قنبری، ۱۳۹۰: ۲) .

در صورت‌بندی که کاتوزیان (۱۳۹۵) از اخلاق دارد، ضمن اشاره به مصادیق ایجابی از اخلاق به مصادیق سلبی نظیر تعدیل غرایز حیوانی بشرنیز اشاره کرده است (کاتوزیان، ۱۳۹۵: ۴۰۹) . واکاوی اهداف اخلاقی حکومت در نهج البلاغه نیز نشان می‌دهد که در کنار اهداف بایسته به اهداف سلبی نظیر مقابله با انحراف و گمراهی نیز باید توجه کرد (حاجیلویی محب، ۱۳۹۷: ۶۷) ؛ با این استدلال که هدف گذاری برای دستیابی به فضایل اخلاقی و تربیتی در ساحت فردی و اجتماعی، به تنهایی کافی نبوده، بلکه در کنار این هدف‌گذاری، تلاش برای مبارزه با جلوه‌های فساد و گمراهی‌های اخلاقی، امری ضروری است؛ چنانکه امام علی علیه السلام با تمام توان «گمراهی‌ها را نابود ساخت و رخنه‌های فساد و تباهی را مسدود گردانید»

(بحرانی، ۱۳۷۵: ۲۱۴). و «به مقابله و در هم شکستن مفسدین پرداخت» (مغنیه، ۱۳۵۸: ۹۸). تأمل در اخلاق سلبی که بر ویژگی‌هایی اشاره دارد که برخلاف اصول اخلاقی و انسانی است و برخی مصادیق آن مانند تبعیض و بی‌عدالتی، اقتدارگرایی و سوء استفاده از قدرت، پنهان کاری و عدم شفافیت، فساد مالی و اخلاقی، کینه ورزی و انتقام جویی می‌باشند، گواه این واقعیت هست که خود اخلاق سلبی نیز از وجوه سلبی مدیریت محسوب می‌شود.

وجوه ایجابی مدیریت

وجوه ایجابی مدیریت مترادف با بایدهای مدیریت است و به اصول و ارزش‌هایی اشاره دارد که بر مبنای آموزه‌های اسلامی تعریف شده است. برخی از این بایسته‌ها عبارتند از: عدل و احسان « إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ » (نحل: ۹۰)، عدالت محوری « إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ » (مائده: ۴۲)

مشورت گرای « وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ » (ال عمران: ۱۵۹)، مسؤولیت پذیری و پاسخگویی « إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا » (نساء: ۵۸)، کارآمدی و بهره‌وری « إِنَّ اللَّهَ تَعَالَىٰ يُحِبُّ إِذَا عَمَلَ أَحَدُكُمْ عَمَلًا أَنْ يُتَّقَنَهُ » (نهج البلاغه خطبه ۵۳)، توجه به کرامت انسانی « وَتَقَدَّرْنَا مِنَّا بَنِي آدَمَ » (اسراء: ۷۰).

وجوه ایجابی مدیریت را می‌توان تحت عنوان فنون کاربردی یا مدیریتی مطرح کرد. فنون کاربردی یا مدیریتی روش‌هایی هستند که در سیاست و اداره عمومی به صورت عملی و واقع‌گرایانه به کار گرفته می‌شوند و به صورت کمی و عینی قابل بررسی و ارزیابی هستند. از جمله آنها می‌توان به کنترل و نظارت، وفای به عهد و پیمان، جلب افکار عمومی، رعایت حقوق مردم، دموکرات بودن حکمران و غیره اشاره کرد (بامری، منشاوی، اسلامی، ۱۳۹۶: ۸۸).

اخلاق ایجابی

اخلاق ایجابی مجموعه فضایل در تمام جوامع بشری و ضامن قوام و دوام حیات جامعه انسانی است. برخی از اصول اخلاقی که شایسته است مدیران آن را رعایت کنند شامل رفق و مدارا، تقوی، حسن خلق، عدالت، وفای به عهد، صبر، تواضع و فروتنی است (احمدپور، ۱۳۹۳: ۲-۱۵). علی علیه السلام بسیاری از فضایل و ارزش‌های اخلاقی را در قالب زیبا ترین تصاویر در پیش روی انسان قرار داده است تا از این طریق بذرشوق و رغبت به نیکی‌ها و پاکی‌ها را در دل مردم بیاشد (محققی و صحابت انور، ۱۳۹۶: ۲۳). برای نمونه در باب خوش خلقی می‌فرماید: «هر کس چوبش نرم تر باشد شاخه‌هایش بیشتر است» (حکمت ۲۱۴) در جایی دیگر می‌فرماید: «گشاده رویی دام محبت و دوستی است» (حکمت ۶) یا در وصایایش به امام حسن علیه السلام می‌فرماید: «آنچه را که برای خود دوست داری برای دیگران نیز دوست‌دار و آنچه را که برای خود نمی‌پسندی، برای دیگران می‌پسند» (نامه ۳۱).

مدیریت در نهج البلاغه

مدیریت در اسلام بر اساس اندیشه الهی و معنوی با رویکرد امانت الهی بودن پایه‌گذاری شده است. از دیدگاه اسلام، مدیریت امانت است و مدیر امانت‌دار خدا و مردم است (احمدی، ۱۳۹۰: ۳۹). می‌توان چنین ادعا کرد که نیمی از نامه‌های نقل شده از علی علیه السلام در نهج البلاغه، به مباحث حکومت و مدیریت اختصاص دارد و بیشترین توجه ایشان در این منشورها، عهدنامه‌ها و نامه‌های ابلاغ شده به کارگزاران و مدیران به مسأله نوع، الگو و شیوه حکومت و مدیریت بوده است. اگرچه



نمی‌توان گفت که تمامی مباحث مدیریت یا علوم انسانی در متون و منابع دین اسلام مطرح شده است و نیازی به عقل و تجربه بشر نیست، اما می‌توان ادعا کرد که الگویی از مبانی ارزشی و نظری در باب مدیریت در متون و منابع دینی از جمله نهج البلاغه ارائه شده است که در علوم اجتماعی و از جمله مدیریت تأثیر فراوانی دارد (اعرافی، ۱۳۸۶: ۲۳).

در نهج البلاغه، بویژه نامه‌های ۲۷ و ۵۳، خطبه ۱۴۹ و حکمت ۴۳۷ به بیان رهبری و مدیریت پرداخته شده است که بر مبنای اندیشه الهی، مردم در رأس امور قرار دارند. امام علی علیه السلام در نامه شماره ۱۳ خود خطاب به عبدالله ابن عباس فرمان گزار مصر به بعضی از رفتارهای رهبر در برخورد با زیردستان اشاره کرده است: نیکویی با مردم، دور کردن ترس و بیم از دل مردم مدارا کردن با مردم، عدم تحقیر زیردستان، عدم تدارک شرایط سخت برای زیردستان، رفتار همراه با اعتدال با زیردستان، فروتنی با زیردستان، نرمخویی و گشاده رویی با زیردستان و عدالت در برخورد توصیه کرده است (یعقوبی و دیگران، ۱۳۹۷: ۶۰). این شیوه نگاه مدیر و حکمران را به «مبارزه با گسترش فساد» (مغنیه، ۱۳۵۸: ۲۷۰)، و «مقابله با انحراف و تباهی» (هاشمی خوبی، ۱۳۵۸: ۲۵۷) فرا می‌خواند. همچنین امام علی علیه السلام مبارزه با باطل: «زَاخِ الْبَاطِلِ وَ زَهَقِ» (نامه ۶۲) «جلوگیری از به قدرت رسیدن بی خردان و تبهکاران و برانداختن ظلم» (خطبه ۳) «برطرف ساختن منکرات» (بحرانی، ۱۳۷۵: ۲۶۷) و «ریشه کنی زشتی» (هاشمی خوبی، ۱۳۵۸: ۳۳۲) را از وظایف مدیران می‌داند. افزون بر موارد مذکور مقابله با انحرافات اخلاقی، دیدگاه‌های باطل و هواهای نفسانی: «يَعْطِفُ الْهُوَى عَلَى الْهُدَى» (خطبه ۱۳۸) و مبارزه با شهوت رانی (الموسوی ۱۳۷۶: ۴۱۰) نیز از جمله مواردی است که حاکم اسلامی باید مد نظر قرار دهد. حضرت علی علیه السلام خطاب به اشعث بن قیس والی آذربایجان می‌نویسد: «مدیریت و حکمروایی برای تو طعمه نیست، بلکه مسئولیت در گردن تو امانت است. وظیفه نداری در کار مردم، به میل و خواسته شخصی عمل کنی و یا بدون ملاک معتبر و فرمان قانونی، به کار بزرگ دست بزنی، اموالی که در دست توست از آن خداوند است و تو خزانه‌دار آن هستی» (دامغانی، ۱۳۷۲: ۲۵).

ماحصل مطالب مطرح شده، از یک سو ویژگی‌ها و شایستگی‌های مورد نیاز مدیران را به تصویر می‌کشند و از سوی دیگر بیانگر رذایلی هستند که باید از آنها دوری جست و با تدبیر از ابتلاء به آنها

جلوگیری کرد. به نظر می‌رسد دغدغه علی‌علیه فقط گوشزد کردن بایسته‌ها و نایسته‌ها نیست بلکه فراتر از آن بی‌توجهی و قصور مدیران را موجب بی‌آبرویی دین می‌داند.

از نگاه امام علی‌علیه زمامداران و مدیران خود کامه دین را بی‌آبرو می‌کنند و نارضایتی عمومی و مخالفت مردم را به دنبال دارند، استبداد، قدرت طلبی، ریاست طلبی و اطاعت کورکورانه در مدیریت مدیران شایسته جایگاهی ندارد (همتی، ۱۳۹۳: ۴).

۵. پیشینه

بررسی‌های نظام مند پیشینه پژوهش، دو گروه متمایز را فراروی ما قرار می‌دهد. دسته اول پژوهش‌هایی را شامل می‌شود که وجه ایجابی دارند. البته ذکر این نکته لازم است که در گروه بندی اول اگر چه عناوین همه پژوهش‌ها جنبه ی ایجابی دارد در عین حال در متن مقالات به نایسته‌های مدیریتی و اخلاقی نیز اشاراتی شده است. از جمله می‌توان به پژوهش ژنرال سرپرستی سایکس از مشاهیر خاورشناسان انگلیسی در مورد فضایل امام علی‌علیه، کتاب مطلوب کل طالب (احمدوند و کاوندی، ۱۳۸۷: ۳۳۰-۳۴۳) و پژوهش‌های آل کجیاف و فرج دنیوی (۱۳۹۱: ۱۷-۲۷) "حکمرانی مطلوب از منظر قرآن و نهج‌البلاغه با تأکید بر پاسخ‌گویی"، نوایی و موسوی (۱۳۹۰: ۱۷۱-۱۹۴) "ساختار حکومت در نهج‌البلاغه" گل‌صنم‌لو و موحدی (۱۳۹۰: ۱۲۷-۱۵۲) "حکومت و حقوق متقابل مردم و زمامداران در نهج‌البلاغه"، مشرف جوادی و ابوطالبی (۱۳۹۰: ۱۱-۳۶) "بررسی شاخص‌های عدالت سازمانی در نهج‌البلاغه با تأکید بر فرمان امام علی‌علیه به مالک اشتر"، پورطهماسبی و تاجور (۱۳۸۹: ۲۱-۴۲) "ویژگی‌ها و وظایف کارگزاران در نهج‌البلاغه"، بهشتی و صدریه (۱۳۸۹: ۹-۴۰) "اخلاق سیاسی در نامه‌های نهج‌البلاغه"، شریفی (۱۳۸۹: ۸۷-۱۰۴) "اخلاق سیاسی از منظر نهج‌البلاغه"، باوفا (۱۳۸۹: ۱۸۹-۲۰۶) "اخلاق علوی با تأکید بر نهج‌البلاغه"، ربی‌پور و صمدی‌وند (۱۳۸۸: ۱۱۹-۱۴۰) "سیاست مدیریتی و ویژگی مدیران در نهج‌البلاغه"، موسی‌زاده و عدلی (۱۳۸۷: ۱۰۳-۱۳۲) "معیارهای انتخاب و انتصاب مدیران با رویکرد شایسته‌گزینی در نهج‌البلاغه"، بهشتی و افخمی اردکانی (۱۳۸۶: ۷-۳۹) "تبیین مبانی و اصول تربیت اجتماعی در نهج‌البلاغه"، اخوان کاظمی (۱۳۸۶: ۹-۳۸) "کارآمدی در آموزه‌های نهج‌البلاغه"، جعفری (۱۳۸۵: ۹۱-۱۱۰) "مردم‌سالاری دینی در نهج‌البلاغه"، قاضی‌زاده و حسینی (۱۳۸۹: ۱۳۳-۱۶۱) "تحلیل فرایند تحول



اجتماعی در نهج البلاغه با رویکرد جامعه شناختی"، مرزوقی و اناری نژاد (۱۳۸۶: ۱۶۳-۱۹۲) "بررسی تربیت اجتماعی از منظر نهج البلاغه"، صالحی و تهامی (۱۳۸۸: ۷۵-۹۴) "تیین مبانی و اصول تربیت اجتماعی در نهج البلاغه"، دلشاد تهرانی (۱۳۷۹: ۱-۶۱۰) در کتاب "ماه مهرپرور: تربیت در نهج البلاغه"، همامی و دیانی دردشتی (۱۳۸۵) "ویژگی‌های نخبگان سیاسی از دیدگاه امام علی علیه السلام"، دلشاد تهرانی (۱۳۸۰: ۱-۵۴۵) در کتاب "دولت آفتاب"، اشاره کرد. حیدری وامینی (۱۴۰۳: ۶۱-۸۵) نیز در پژوهشی به ویژگی‌های بینشی، گرایشی، و کنشی مدیران پرداخته‌اند و به این نکته اشاره دارند که عدالت عملی موجب افزایش اعتماد و رضایت کارکنان می‌شود و مدیران را از ظلم برحذر داشته‌اند. سید جوادین، نسبی و یوسفی (۱۳۹۹: ۲۵) که ویژگی‌های مدیران شایسته را مورد بررسی قرار داده‌اند به رفتارهای مدیریتی غیر سازنده از جمله خودپسندی و نداشتن شفافیت و ظلم اشاره می‌کنند. امیری (۱۳۹۶: ۱۰-۴۰۰) با محوریت نامه ۵۳ نهج البلاغه در چهار بخش دوازده فصل مفاهیمی چون هماهنگی و انسجام، انصاف و عدالت، رضایتمندی عمومی، اعتماد سازی و وفای به عهد را به عنوان اصول مدیریتی استخراج و تحلیل می‌کند. امیری (۱۳۹۵: ۱۵-۳۴۰) همچنین تلاش می‌کند تا الگویی جامع از مدیریت اسلامی ارائه دهد که در آن عدالت، اخلاق و کارآمدی به عنوان اصول اساسی مدیریت مورد توجه قرار گرفته‌اند. گروه دوم پژوهش‌های صورت گرفته بیشتر به وجه سلبی یا نایبسته‌های مدیریتی و اخلاقی اختصاص دارد. از جمله این موارد عبارتند از: "مدیریت قبیلگی و مدیریت مدنی در نهج البلاغه" (عارف نژاد، ۱۳۸۵: ۱۰۷-۱۱۵)، "آسیب‌شناسی مدیریت سیاسی حاکمان و زمامداران با تأکید بر سیره حکومت امام علی علیه السلام" (علیخانی، ۱۳۸۰: ۴۵-۶۶) و (مردانی، ۱۳۸۹: ۱۴۷-۱۶۹) "لغزش‌گاه‌های اخلاقی از منظر امام علی علیه السلام با تأکید بر نهج البلاغه" (طاهری، ۱۳۸۰: ۱۵۷-۱۹۰) "آسیب‌شناسی حکومت دینی از دیدگاه نهج البلاغه" بررسی و تحلیل عوامل و موانع مؤثر در تربیت دینی بر مبنای سخنان حضرت علی علیه السلام در نهج البلاغه" (بهشتی، ۱۳۸۶).

شریفی و فایق (۱۳۹۵: ۲) در پژوهش خود با عنوان آسیب‌شناسی اخلاق کارگزاران حکومت دینی در نهج البلاغه، تکبر، دنیا دوستی، خشونت و ستمگری را به عنوان نمونه‌ای از این آسیب‌ها می‌دانند و عوامل مؤثر در ایجاد آنها را عجب، ضعف شخصیت، جهل، هوای نفس و قدرت زدگی ناشی از به دست آوردن منصب حکومتی بر می‌شمارند. افزون بر آن مقاله‌ای هم توسط فاطمه دسترنج در



شماره ۳۰ فصلنامه پژوهش‌های نهج‌البلاغه به چاپ رسیده است، همچنین مقاله‌ای با عنوان "آسیب‌شناسی رفتار کارگزاران حکومتی از منظر اسلام"، نوشته مسعود راعی و محمدفلاح سلوک‌الایی در شماره ۵۸ مجله حکومت اسلامی عرضه گردیده است که اجمالا در باره برخی از آسیب‌هایی که ممکن است عارض مدیران و کارگزاران گردد، توضیحاتی داده شده است. نظری اجمالی به پژوهش‌های فوق‌الذکر، گویای این واقعیت است که غالب آنها جنبه ایجابی دارند. موارد معدودی به جنبه‌های سلبی با عناوین آسیب‌ها و رذایل اختصاص یافته است که آسیب‌شناسی مدیریت سیاسی و حکومت دینی و لغزش‌گاه‌های اخلاقی از آن جمله‌اند.

۶. روش تحقیق

هر تحقیقی براساس نوع پژوهش به دو دسته مطالعات کیفی و کمی تقسیم می‌گردد. روش مناسب در هر پژوهشی باید با توجه به موضوع و هدف انتخاب گردد تا بتواند نتیجه پژوهش را به درستی بیان کند. از این‌رو در پژوهش حاضر از تکنیک‌های تحلیل محتوا استفاده شده است.

۱/۶. تحلیل محتوا

در هر تحلیل محتوا باید هدف استنباط‌ها به روشنی بیان شود (کریندورف، ۱۳۹۰: ۲۸-۳۳). تحلیل محتوا می‌تواند کمی، کیفی یا ترکیبی باشد. در پژوهش حاضر با اتخاذ رویکرد ترکیبی سعی شد داده‌ها جمع‌آوری و آماده تحلیل شوند.

پژوهشگر با استفاده از تحلیل محتوا وجود مفهوم و ارتباط بین واژه‌ها و یا مفاهیم را تحلیل کرده و درباره پیام‌های موجود در متن، نویسنده آن و حتی فرهنگ و دوره زمانی اثر نتیجه‌گیری می‌نماید (ضیغمی و همکاران، ۱۳۸۷: ۴۱). در این پژوهش با بهره‌گیری از متن نهج‌البلاغه و شرح آن سعی شد ارتباط بین واژه‌ها یا مفاهیم تحلیل گردد. داده‌ها به عنوان مواد مقدماتی مورد استنباط قرار گرفتند و درباره جنبه‌های خاصی از متن به توجیه و تبیین استنباط‌ها بر حسب شناخت عوامل پایدار در نظام مورد نظر پرداخته شد.

۱/۱/۶. تحلیل کمی

تحلیل محتوای کمی با تأکید بر شمارش واحدهای تحلیل (واژه‌ها) به دنبال توصیف و انعکاس فراوانی مؤلفه‌های مربوط به پژوهش هست (قاسمی، ۱۴۰۰: ۲۷۸).

در واکوی متن نهج البلاغه واژه‌های برآورنده مفهوم سلبی به عنوان واحد تحلیل مورد شمارش قرار گرفتند و در ادامه مقوله‌بندی از محتوای مورد بررسی انجام گرفت. با توجه به معانی واژگان توأمان سعی شد به مفاهیم مرتبط و مشابه از طریق تحلیل محتوای کیفی پرداخته شود و پس از انتخاب مقوله‌های اصلی و فرعی به منظور شمارش و ثبت مقوله‌ها، کدگذاری در برگه کدگذاری انجام شد.

۲/۱/۶. تحلیل کیفی

بخش عمده تحلیل در پژوهش کیفی تفسیری است. به عبارتی این نوع از تحلیل، عبارت است از تقابل میان ذهن پژوهشگر و داده‌ها (استراوس و کوربین، ۱۳۹۱: ۳۳-۳۵).

۱/۲/۱/۶. روش‌های بررسی در تحلیل کیفی

● بررسی خرده داده‌ها: (یعنی بررسی تک‌واژه‌ها، عبارت‌ها و جمله‌ها)

● تحلیل کلمه، عبارت یا جمله: این تحلیل با مرور سریع مدرک حاوی داده‌ها، یا لاقلاً یکی دو صفحه از آن، و سپس بازگشت و تمرکز بر کلمه یا عبارتی شروع می‌شود که تحلیل‌گر آن را مهم و از لحاظ تحلیلی جالب می‌یابد.

● تکنیک وارونه‌سازی: بدین معنی که مفهوم در این جا «این رو به آن رو» و «وارونه» می‌شود تا دیدگاه دیگری در خصوص واقعه یا عمل/تعامل شکل گیرد. به دیگر کلام، به شق مخالف و به نهایت دیگر طیف یا پیوستار نیز فکر شود تا ویژگی‌های مهم را بتوان بیرون کشید (در این پژوهش از طریق مفهوم بایدهای مدیریت می‌توان به نیابدها رسید).

کدگذاری: فرایند تحلیلی‌ای که طی آن داده‌ها مفهوم‌گذاری می‌شوند و به هم می‌پیوندند تا نظریه را شکل دهند (استروس و کوربین، ۱۳۹۱: ۱۲۲-۷۸).

۲/۲/۱/۶. فرایند کدگذاری در تحلیل محتوای کیفی

در کدگذاری باز در نخستین قدم به جمع‌آوری داده‌های نخستین پرداخته شده است. کدگذاری باز روند ساده‌سازی، مقایسه، مفهوم‌سازی، مقوله‌یابی داده‌ها را دربردارد و به کشف مقوله‌ها و گروه مفاهیم منجر شده است. روش معاینه دقیق و از نزدیک داده‌ها، عبارت به عبارت و گاه کلمه به کلمه مورد استفاده قرار گرفته است. به عبارتی از مفاهیمی که شامل خطبه، داستان، سخنرانی و کلام مولانا علیه السلام می‌باشد پرده برداشته و معنای درونش در معرض دید قرار داده شده است. لازم به



ذکر است تحلیل سطر به سطر به خصوص در آغاز پژوهش اهمیت دارد، زیرا تحلیل گر را به تولید سریع مقوله‌ها توانا می‌سازد. پس از آن رویدادها و واژه‌ها زیر مفهوم مقوله‌ها قرار گرفته‌اند. با گروه‌بندی مفاهیم در مقوله‌ها از تعداد واحدها کاسته شده است. در مورد خاطرات و یادداشت‌های موجود در نهج البلاغه، آنها با تحلیل یک جمله یا پاراگراف کامل کدگذاری شده‌اند.

در کدگذاری محوری، این کدگذاری طی روندی، داده با ارتباط سازی بین مقوله‌ها به شیوه جدیدی بازسازی شد. به نحوی که محقق بین قیاس و استقرار در حرکت بود. با استفاده از ماتریکس انعکاسی هسته اصلی و مقوله مرکزی مشخص گردید که همه مقوله‌های کوچک و بزرگ دیگر به آن وابسته‌اند. و در نهایت در کدگذاری انتخایی محقق به یکپارچه سازی تفاسیر کلیه دروسی که از پژوهش خود آموخته می‌پردازد (کوربین و استروس، ۱۹۹۰: ۲۱-۳).

۳/۱/۶. قابلیت اعتماد و روایی

قابلیت اعتماد در روش تحلیل محتوا بسیار مورد سؤال است. زیرا برداشت‌های ذهنی پژوهشگران و کدگذاران در هنگام طبقه‌بندی و ارزیابی تأثیرگذار است. راه حل مسئله این است که کوشش شود پس از طبقه‌بندی و ارزشیابی اولیه، محتوا مجدداً توسط کدگذاران دیگر طبقه‌بندی و ارزشیابی شده و در صورت مطابقت زیاد، نتایج تحلیل‌های دو کدگذار ارزشیابی و تحلیل آنها پذیرفته گردد (ضیغمی و همکاران، ۱۳۸۷: ۵۰). برای تحقق چنین خواسته‌ای توسط دو نفر از افراد آگاه و متخصص مجدداً کدگذاری انجام شد که با ضریب کاپای نزدیک به ۰/۹ از قابلیت اعتماد قابل قبولی برخوردار بود. همچنین با توجه به تعریف استراوس و کوربین در رابطه با اجزاء داده‌های کیفی و شیوه‌های کدگذاری این داده‌ها می‌توان پایایی و روایی پژوهش حاضر را تأیید کرد چرا که هر محقق دیگری آن را مطابق با این شیوه انجام دهد به نتیجه این بررسی با قابلیت اعتبار و اعتماد بالا دست خواهد یافت.

در خصوص کیفیت این پژوهش باید گفت که با استخراج وجوه سلبی مدیریتی در نهج البلاغه و تعریف آن‌ها اطلاعات کاملی از نبایدهای مدیریتی و طیف وسیعی از گوناگونی آن‌ها در اختیار خواننده قرار می‌گیرد که می‌تواند زمینه لازم را برای پذیرش کفایت فرایند پژوهش و پایایی آن در همه زمان‌ها فراهم کند. از طرفی انجام هر یک از مراحل پژوهش بر اساس شیوه پژوهش تحلیل محتوای ترکیبی انجام شده است که با توجه به ماهیت شیوه پژوهشی (تحلیل محتوای کیفی)، اعتماد به وجوه سلبی استخراجی از نهج البلاغه را برای هر خواننده و پژوهشگری میسر می‌سازد و این خود نشان از روایی پژوهش دارد.

۱/۷. تبیین وجوه سلبی مدیریت در نهج البلاغه

با مطالعه هدفمند و روش پژوهشی تحلیل محتوا (کدگذاری باز و تکنیک وارونه‌سازی) بیش از ۴۴۰ وجه سلبی آشکار و نهفته در کلمات، عبارات، داستان‌ها، نامه‌ها و خطبه‌های ذکر شده آن امام بزرگوار در نهج البلاغه ترجمه شده فاضل و شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید (۹ جلد) استخراج شدند.

۱/۱/۷. آیا وجوه سلبی مدیریت در نهج البلاغه قابل طبقه‌بندی می‌باشند؟

با استفاده از واژه‌یاب فارسی، فرهنگ امید، معین و لغت‌نامه دهخدا معنا و تعریف کلیه وجوه سلبی استخراجی به دست آمد و منجر به گروه‌بندی مفاهیم شد. با طبقه‌بندی واژه‌ها این نکته مهم نمایان شد که برخی از واژه‌ها مانند جهل یا ظلم و ستم انواع مختلفی را به خود اختصاص داده‌اند. به همین لحاظ واژه‌هایی از این قبیل به عنوان سرگروه انتخاب و یک کد را به خود اختصاص دادند. با توجه به کدهای تخصیصی به هر سرگروه، سایر وجوه سلبی بر اساس تحلیل محتوا که دارای وجه اشتراک در ریشه، منشأ، اثر و رابطه علی و معلولی با سرگروه بودند در زیرمجموعه واژه سرگروه قرار گرفتند و گردآوری آنها منجر به نمایان شدن ۲۰ گروه وجوه سلبی گردید که مدیران موظفند از آنها دوری جویند.

سپس بر اساس منطق طرح تحلیل محتوا فراوانی داده‌ها تعیین و مشاهده شد واژه جهل با کسب ۴۲۴ بار تکرار بیشترین مقدار فراوانی را به خود اختصاص داده است و پس از آن واژه ظلم و بی‌عدالتی با ۲۵۰ فراوانی در رتبه دوم و حسرت با کمترین مقدار فراوانی (یعنی ۱۲ بار تکرار) در رتبه بیستم قرار گرفت.

در نتیجه وجوه سلبی مدیریت در نهج البلاغه همراه با فراوانی‌های رتبه‌بندی شده به شرح جدول ۱ محقق شد. لازم به ذکر است فراوانی‌ها اذعان می‌دارند که تعداد و تکرار واژه‌ها دلیل بر میزان اهمیت آن واژه نسبت به سایر واژه‌ها است. اما به دلیل اینکه تاکنون هیچگونه پژوهشی بر روی وجوه سلبی مدیریت از منظر نهج البلاغه صورت نگرفته است امکان مقایسه یافته‌های این بررسی وجود ندارد. به جهت اینکه مشاهده بهتری از وضعیت وجوه سلبی در نهج البلاغه صورت پذیرد رتبه‌بندی فراوانی وجوه سلبی به شرح جدول زیر نمود پیدا کرد.

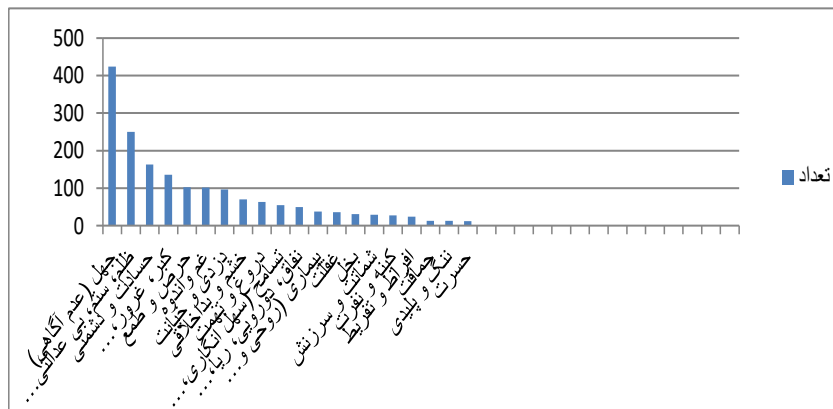


جدول ۱. کدگذاری و رتبه‌بندی وجوه سلبی مدیریت در نهج البلاغه

کد	وجوه سلبی	فراوانی	کد	وجوه سلبی	فراوانی
۱	جهل (عدم آگاهی، ترس، ناشکیبایی: مقابل حلم)	۴۲۴	۱۱	نفاق، دورویی، ریا، تملق، چاپلوسی، غلو و عدم صداقت	۵۰
۲	ظلم، ستم، بی‌عدالتی و تبعیض	۲۵۰	۱۲	بیماری (روحی و جسمی)	۳۸
۳	حسادت و دشمنی	۱۶۳	۱۳	غفلت	۳۶
۴	کبر، غرور، خودخواهی و خودپسندی	۱۳۶	۱۴	بخل	۳۱
۵	حرص و طمع	۱۰۳	۱۵	شمتات و سرزنش	۲۹
۶	غم و اندوه	۱۰۲	۱۶	کینه و نفرت	۲۸
۷	دزدی و خیانت	۹۷	۱۷	افراط و تقریط	۲۴
۸	خشم و بداخلاقی	۷۰	۱۸	حماقت	۱۳
۹	دروغ و تهمت	۶۳	۱۹	ننگ و پلیدی	۱۳
۱۰	تسامح (سهل‌انگاری، کاهلی و سست)	۵۵	۲۰	حسرت	۱۲

و نیز نمودار جدول رتبه بندی به شکل زیر ترسیم می‌گردد:

جدول ۱- نمودار رتبه‌بندی وجوه سلبی مدیریت در نهج البلاغه





۲/۱/۷. آیا طبقه‌بندی و جوه سلبی مدیریت در نهج البلاغه نتیجه خاصی دارد؟

با تجزیه و تحلیل و بررسی دقیق‌تر به شیوه کدگذاری محوری به چگونگی ارتباط بین ۲۰ گروه جوه سلبی پرداخته شد و ۲۰ گروه به شیوه جدیدی بازسازی شدند. با توجه به تعاریف، ریشه و اثر واژه‌ها این‌گونه نمایان شد که کلیه واژه‌های سلبی (نبایدهای مدیریت) به نوعی زیرگروه دو سرگروه برتر یعنی جوه سلبی جهل و جوه سلبی ظلم و بی‌عدالتی می‌باشند و ۲۰ گروه را می‌توان به دو گروه اصلی «جهل» و «ظلم و بی‌عدالتی» تقسیم‌بندی کرد. زیر گروه‌های متغیر جاهلیت با دیدگاه‌های گولدتسیهر که با پژوهش در شعر و فرهنگ جاهلی به این نتیجه رسید که جهل در مقابل حلم (به معنای عقل) است، همخوانی دارد. گفتنی است که تقابل جهل و حلم ریشه در میراث شعری عرب و احادیث و روایات اسلامی دارد (بلاشر، ۱۳۶۳، جلد ۱: ۳۰).

براساس دیدگاه ایزوتسو نیز جاهل بودن فرد به معنای مغرور بودن او به قدرت بشری و استقلال مطلق است. وی با استناد به آیات قرآن، تکبر و خودپسندی را سرچشمه همه خصلت‌های دوره جاهلیت دانسته است (ایزوتسو، ۱۳۶۰: ۱۳۵). مغرور بودن نیز از شاخص‌های وجه سلبی جاهلیت در پژوهش حاضر به‌شمار می‌رود. از این منظر پژوهش بلاشر که در آن به صورت‌بندی روانشناسی شخصیت عرب بدوی پرداخته صفاتی مانند تند خویی، غرور، انتقام‌جو و ستیزه‌گر بودن را جلوه‌های روانی می‌داند که اسلام آن را جاهلیت نامیده است (بلاشر، ۱۳۶۳، جلد ۱: ۲۳-۲۸).

نام‌بردن از علی عَلَيْهِ السَّلَامُ با عدالت و تأکید بر عدالت همراه است. یافته‌های این پژوهش نیز بر آن صحه می‌گذارد و با تحقیقات شریفی (۱۳۸۹: ۱۰۳)، بهشتی و صدریه (۱۳۸۹: ۱۱) و پور طهماسبی و تاجور (۱۳۸۹: ۲۱) همراستا است. در مجموع برخی از نتایج طبقه‌بندی و جوه سلبی مدیریت در نهج البلاغه به شرح ذیل است: ایجاد الگویی جامع برای آسیب‌شناسی مدیریت، تقویت فرهنگ مدیریتی براساس ارزش‌های اخلاقی، پیشگیری از پیامدهای منفی در سازمان، تقویت رویکرد شایسته‌سالاری در انتخاب مدیران، الهام بخشی برای طراحی سیستم‌های مدیریتی مبتنی برآموزه‌های اسلامی، پاسخگویی به نیازهای معاصر، تأثیرگذاری بر توسعه اخلاق حرفه‌ای و در نهایت توجه به معنویت در مدیریت.

۳/۱/۷. رهیافت تبیین و جوه سلبی مدیریت در نهج البلاغه چیست؟

در روایات صفات و حالاتی چون شقی بودن، ستم، تجاوزگری که همگی نشان‌دهنده ظلم و

بی‌عدالتی است به جاهل نسبت داده می‌شوند (جهل - ویکی فقه، ۱۳۹۳) و با آیه ۶ سوره حجرات که می‌فرماید: « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَنْ تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصِيبُكُمْ عَلَىٰ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ » (حجرات/۶): «ای کسانی که ایمان آوردید اگر فاسقی خبری برای شما آورد پس جستجو کنید، مبدا که در اثر تفحص نکردن به قومی آزار رسانید و بر کرده خود سخت پشیمان شوید» (بهنیافر، ۱۳۹۳).

در نتیجه می‌توان پی‌برد که علت آزار رساندن به دیگری جهل است. لذا نتیجه‌ای که عاید می‌شود این است که ریشه گروه و زیرگروه‌های وجوه سلبی ظلم و بی‌عدالتی نیز جهل و ناآگاهی است که در این مرحله به کمک ماتریکس کدگذاری انعکاسی که در آن سلسله‌ای از ارتباطات هسته اصلی و پدیده مرکزی را بوجود می‌آورند، جهل به عنوان هسته اصلی پژوهش که همه مقوله‌های کوچک و بزرگ دیگر به آن وابسته هستند نمودار می‌شود. در نتیجه، رهیافت این بررسی با این جمله تحریر می‌گردد که: "مهم‌ترین و غالب‌ترین وجه سلبی، از منظر نهج البلاغه جهل است."

بادقت نظر در متن نهج البلاغه و با استناد به منابعی که براین مهم همت گمارده‌اند چند رهیافت قابل شناسایی هست. ۱- رهیافت مبتنی بر اخلاق و ارزش‌ها با استناد نامه ۵۳ (شهیدی: ۱۳۷۷). ۲- رهیافت ساختاری و سازمانی با استناد به نامه ۵۳ با تأکید بر توصیه‌های امام به مالک در باره ساختار سازمانی و عدالت در مدیریت (دلشاد تهرانی: ۱۳۹۰). ۳- رهیافت اجتماعی با اساس خطبه ۳۴ و ضرورت حقوق مردم توسط مدیران (مطهری: ۱۳۹۴). ۴- رهیافت دینی و معنوی با ارجاع به نامه ۵ که به وظیفه معنوی مدیران در قبال مسئولیت‌ها اشاره می‌شود (آیتی: ۱۳۷۴). ۵- رهیافت روان‌شناختی با استناد به خطبه ۴۲ که به خطر هوای نفس و بلند پروازی در مدیریت هشدار می‌دهد. حائری پور (۱۳۸۲) نیز به بررسی ویژگی‌های شخصیتی مدیران و تأثیر آن بر وجوه سلبی مدیریت می‌پردازد. ۶- رهیافت تربیتی و آموزشی که در نامه ۵۳ به آموزش اصول مدیریت به مالک اشتراختصاص دارد. دلشاد تهرانی (۱۳۹۵) نامه ۵۳ را دستمایه‌ای برای تدوین آموزه‌های تربیتی و آموزشی قرار داده است. ۷- رهیافت تاریخی و تجربی که عبرت‌گیری از تاریخ را برجسته می‌کند (حکمت ۴۲۱) و در پایان ۸- رهیافت اصلاح‌گرایانه که با ارجاع مستقیم به نامه ۵۳ بر اصلاح عملکرد مدیران و پرهیز از استبداد تمرکز دارد.

۸. نتیجه گیری

یافته‌های این پژوهش بیست مورد کژی و کاستی رفتاری مدیران را در منظر نظر قراردادده است که هر یک به نوبه خود آفتی است که گرفتار آمدن در آن تباهی را در پی دارد. اما در صورت بندی دانایی این نوشتار بر اساس تواتر و تکرار از بین وجوه سلبی مدیریت جهل از بار سنگین تری برخوردار است. جهل به معنای ناآگاهی، عدم شناخت از حقایق، و نداشتن بینش صحیح در تصمیم‌گیری عمل است. امام علی علیه السلام جهل را ریشه همه خطاها و انحرافات می‌داند. امام در حکمت ۱۴۰ می‌فرماید: «الجهل أصل كل شر». بر اساس مؤلفه‌ها و شاخص‌های پدیدآورنده هر دو مفهوم جهل و بی‌عدالتی، دست کم از سه منظر جهل می‌تواند منتج به بی‌عدالتی شود؛ یکی تصمیم نادرست بواسطه ناآگاهی توأم با تعصب کور و دانش ناکافی است. دومین منظر ناتوانی در شناخت نیازها و به تبع آن ناکامی در توزیع درست منابع است که منجر به بی‌عدالتی می‌شود و در نهایت فقدان مشورت ناشی از خودرأیی جاهل است که از مشورت بادیگران اجتناب می‌کند و زمینه ساز بی‌عدالتی می‌شود. گو اینکه بی‌عدالتی و ظلم در پژوهش حاضر در کنار هم نهاده شده‌اند با اینهمه بی‌عدالتی مقدمه ظلم است و از طریق تحمیل خواسته‌های ناعادلانه و تقویت استبداد پدید می‌آید. امام علی علیه السلام در خطبه ۳۴ به نقش جهل در بروز انحرافات اخلاقی و اجتماعی اشاره می‌کند و ظلم را نتیجه مستقیم آن می‌داند. در نهایت پیامدهای توأمان جهل، بی‌عدالتی و ظلم را می‌توان در سه اتفاق مهم خلاصه کرد: کاهش اعتماد عمومی، فروپاشی اجتماعی و نابودی حکومت.

دومین عاملی که بیشترین تکرار را داشته است ظلم و بی‌عدالتی است که در نوشته‌های مختلف و فرمایشات علی علیه السلام از عوامل کلیدی اضمحلال حکومت‌ها به شمار می‌رود. بیست عامل منفی که با این رویکرد پژوهشی دسته‌بندی شده‌اند به طور پراکنده با طبقه‌بندی دیگری در پژوهش‌های پیشین از جمله پژوهش‌های طاهری، مردانی، همای و دیانی دردستی و یزدانی به آنها پرداخته شده است و از این جنبه یافته‌های این پژوهش را مورد تأیید قرار می‌دهند. با این تفاوت که به واسطه تمرکز پژوهش حاضر بر وجوه سلبی و بهره‌گیری از رویکرد تحلیل محتوا، آن را از جامعیت بیشتری برخوردار کرده است و پراکندگی‌ها را ذیل یک عنوان یکپارچگی بخشیده است.

۹. پیشنهادات

۱/۹. پیشنهادات علمی

- بررسی ساختاری جهل در نهج البلاغه : انجام یک تحلیل محتوای دقیق بر خطبه‌ها و نامه‌های نهج البلاغه برای شناسایی کاربردهای واژه "جهل" و انواع آن (جهل فردی، جهل سازمانی و جهل جمعی).
- ارائه یک مدل سلسله مراتبی برای تبیین ریشه‌های جهل در سطوح مختلف مدیریتی.
- تحلیل متنی ظلم و ستم در مدیریت سیاسی نهج البلاغه.
- شناسایی نمونه‌های عملی از بی‌عدالتی سازمانی و تأثیر آن بر عملکرد حکمرانان.
- توسعه یک چارچوب نظری برای نفی جهل در مدیریت دانش.
- بررسی تطبیقی میان رویکرد نهج البلاغه به جهل و مفاهیم مدرن مانند مدیریت دانش و یادگیری سازمانی.
- تحلیل تاریخی جهل و ظلم در حکومت داری علوی.
- بررسی نقش جهل و ظلم در شکست یا موفقیت حکمرانی.
- مطالعه کمی برای بررسی ارتباط میان ریشه‌های جهل و ظلم در مدیریت و پیامدهای آن مانند فساد، ناکارآمدی یا فروپاشی سیاسی.

۲/۹. پیشنهادات کاربردی

- طراحی و اجرای کارگاه‌هایی با موضوع «مدیریت عدالت محور و نفی جهل براساس نهج البلاغه» برای مدیران دولتی و خصوصی.
- ایجاد کمیته‌های عدالت سازمانی برای نظارت بر تصمیم‌گیری‌های مدیریتی و جلوگیری از ظلم و نابرابری.
- استفاده از اصول مطرح شده در نهج البلاغه بعنوان راهنما برای فعالیت این کمیته‌ها.
- تهیه و توسعه ابزارهایی برای اندازه‌گیری میزان عدالت و آگاهی در سازمان‌ها.
- سیاست‌گذاری عمومی برای مقابله با ظلم و جهل: ارائه طرح‌های سیاست‌گذاری به نهادهای دولتی برای گنجانیدن اصول نهج البلاغه در قوانین و مقررات اداری.
- اجرای پروژه‌های پایلوت در سازمان‌های منتخب با تمرکز بر واکاوی جهل و ظلم سازمان.

منابع

- نهج البلاغه، ۱۳۸۳ ش، محمد بن حسین (سید رضی)، ترجمه: محمد دشتی، قم: بنیاد نهج البلاغه.
- آستن، چارلز اف. ۱۳۷۷ ش. *نیایه‌های مدیریت*. ترجمه: پرهام، سیروس. تهران: فرزانه.
 - آمدی، عبدالواحد. ۱۴۲۰ هـ. *غرر الحکم و درر الکلم*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
 - آیتی، سید هاشم. ۱۳۷۴ ش. *درس‌هایی از نهج البلاغه*. تهران: سمت.
 - استراوس، انسلم و کریین، جولیت. ۱۳۹۱ ش. *مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای*. ترجمه: افشار، ابراهیم. تهران: نشر نی.
 - احمدی، مسعود. ۱۳۹۰ ش. *مدیریت اسلامی (اصول، مبانی، مفاهیم و الگوها)*. تهران: انتشارات پژوهش‌های فرهنگی.
 - ابی‌الحدید، ابن. ۶۵۶-۵۸۶ ق. *شرح نهج البلاغه*. ترجمه: لایقی، غلامرضا. تهران: کتاب نیستان.
 - امیری، علی تقی. ۱۳۹۵ ش. *نوع‌شناسی و مصادیق مدیریت در نهج البلاغه*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
 - امیری، علی تقی. ۱۳۹۶ ش. *الگوی اداره در نهج البلاغه*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
 - بهینافر، احمدرضا. ۱۳۹۳ ش. *مفهوم جاهلیت در قرآن و متون تاریخی*. دانشنامه موضوعی قرآن.
- <http://www.ommolketab.net>
- امینی، ابراهیم. ۱۳۸۸ ق. *امامت و امامان*. قم: مؤسسه بوستان کتاب.
 - بحرانی، میثم ابن علی. ۱۳۶۶ ش. *اختیار مصباح السالکین*. مصحح: امینی، محمد هادی. مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.
 - تقوی دامغانی، سید رضا. ۱۳۷۲ ش. *نگرشی بر مدیریت اسلامی*. تهران: انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی.
 - جعفری، محمد تقی. ۱۳۹۰ ش. *ترجمه و تفسیر نهج البلاغه*. تهران: نشر صدرا.
 - جعفری، محمد تقی. ۱۳۸۹ ش. *حکمت اصول سیاسی اسلام*. قم: مؤسسه نشر استاد جعفری.
 - جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۹۰ ش. *عدالت و مدیریت در نهج البلاغه*. تهران: مرکز نشر اسراء.
 - حائری پور، محمد. ۱۳۸۲ ش. *نهج البلاغه و روانشناسی مدیریت*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.



۱۷. حجتی، سید مهدی، ۱۳۸۲ش. ترجمه نهج البلاغه فارسی به زبان ساده. تهران: نشر فاخر.
۱۸. دلشاد تهرانی، مصطفی. ۱۳۸۰ش. دولت آفتاب: اندیشه سیاسی و سیره حکومتی علی‌علیه. تهران: انتشارات دریا.
۱۹. دلشاد تهرانی، مصطفی. ۱۳۸۰ش. رهنمایان دین: آسیب شناسی دین و دینداری در نهج البلاغه. تهران: انتشارات دریا.
۲۰. دلشاد تهرانی، مصطفی. ۱۳۷۹ش. ماه مهرپرور: تربیت در نهج البلاغه. تهران: انتشارات دریا.
۲۱. ری شهری، محمد. ۱۳۹۰ش. میزان الحکمه. جلد ۲. قم: دارالحدیث.
۲۲. سادات، محمدعلی و جواهریان، محمدعلی. ۱۳۷۲ش. پیش اسلام سال اول دبیرستان. تهران: نشر ایران.
۲۳. شریفی، احمدحسین. ۱۳۹۳ش. آیین زندگی. تهران: نشر معارف.
۲۴. شفیعی، عباس. ۱۴۰۱ش. اصول مدیریت در نهج البلاغه. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۲۵. شهیدی، سیدجعفر. ۱۳۷۷ش. ترجمه و شرح نهج البلاغه. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۲۶. قاسمی، حمید. ۱۴۰۰ش. مرجع پژوهش. تهران: انتشارات اندیشه آرا.
۲۷. کاتوزیان، ناصر. ۱۳۹۵ش. فلسفه حقوق، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۲۸. کرپیندورف، کلوس، ۱۳۹۰ش. تحلیل محتوا: مبانی روش‌شناسی. ترجمه: هوشنگ نایی. تهران: نشر نی.
۲۹. مغنیه، محمد جواد. ۱۳۵۸ش. فی ظلال نهج البلاغه. بیروت: دارالعلم للملایین.
۳۰. مطهری، مرتضی. ۱۳۷۴ش. مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی (۱): انسان و ایمان. تهران: انتشارات صدرا.
۳۱. مطهری، مرتضی. ۱۳۹۴ش. سیری در نهج البلاغه. قم: انتشارات صدرا.
۳۲. هاشمی خوبی، میرزاحیب الله. ۱۳۵۸ش. منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه. چاپ چهارم، تهران: مکتبه الاسلامیه.

مقالات

۳۳. احمدوند، عباس و کاوندی، سحر، ۱۳۸۷ش. پژوهش‌های خاورشناسان درباره نهج البلاغه، علوم حدیث، دوره ۱۳، شماره ۴-۳، ص ۳۴۳-۳۳۰.



۳۴. اخوان کاظمی، بهرام، ۱۳۸۶ ش، کارآمدی در آموزه‌های نهج البلاغه، *الهیات و معارف اسلامی*، شماره ۷۶، ص ۳۸-۹.
۳۵. اعرافی، علیرضا، ۱۳۸۶ ش، نگرش به حکومت و مدیریت از منظر امام علی (ع)، *حوزه و دانشگاه*، شماره ۲۶، ص ۴۵-۲۲.
۳۶. آل کجیاف، حسین و فرج دنیوی، حسن، ۱۳۹۱ ش، حکمرانی مطلوب از منظر قرآن و نهج البلاغه با تأکید بر پاسخگویی در علوم قرآن و حدیث، *مطالعات قرآنی*، شماره ۱۰، ص ۲۷-۱۷.
۳۷. بامری، نصرت، منشادی، مرتضی و اسلامی، روح الله، ۱۳۹۶ ش، سیاست عملی و فنون حکمرانی امام علی علیه السلام، *پژوهشنامه نهج البلاغه*، شماره ۱۹، ص ۸۳-۱۰۰.
۳۸. باوفا، مرجان، ۱۳۸۹ ش، اخلاق علوی با تأکید بر نهج البلاغه در علوم قرآن و حدیث، *پژوهش‌های نهج البلاغه*، سال ۸، شماره ۳۰، ص ۲۰۶-۱۸۹.
۳۹. بهشتی، احمد و صدریه، پیام، ۱۳۸۹ ش، اخلاق سیاسی در نامه‌های نهج البلاغه در علوم قرآن و حدیث، *پژوهش‌های نهج البلاغه*، شماره ۳۰، ص ۴۰-۹.
۴۰. بهشتی، سعید و افخمی اردکانی، محمدعلی، ۱۳۸۶ ش، تبیین مبانی و اصول تربیت اجتماعی در نهج البلاغه، *تربیت اسلامی*، دوره ۲، شماره ۴، ص ۳۹-۷.
۴۱. پورطهماسبی، سیاوش و تاجور، آذر، ۱۳۸۹ ش، ویژگی‌ها و وظایف کارگزاران در نهج البلاغه، *پژوهش‌نامه علوی*، شماره ۲، ص ۴۲-۲۱.
۴۲. جعفری، سید محمد مهدی، ۱۳۸۵ ش، مدیریت قبیلگی و مدیریت مدنی در نهج البلاغه، *ویژه‌نامه مدیریت*، شماره ۱ (پیاپی ۴۴)، ص ۹۱-۱۱۰.
۴۳. حاجیلویی محب، محمد مهدی، ۱۳۹۷ ش، تحلیل تطبیقی اهداف اخلاقی حکومت در نهج البلاغه و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، *پژوهشنامه نهج البلاغه*، شماره ۲۲، ص ۷۹-۵۷.
۴۴. ربی‌پور، محمدعلی و صمدی‌وند، منوچهر، ۱۳۸۸ ش، سیاست مدیریتی و ویژگی مدیران در نهج البلاغه، *مدیریت بهره‌وری*، شماره ۸، ص ۱۱۹-۱۴۰.
۴۵. سیدجوادین، سید رضا، نسبی، نرجس السادات، یوسفی، علیرضا، ۱۳۹۹ ش، ویژگی‌های مدیران شایسته از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه، *راهنمای مدیریت در نظام سلامت*، سال ۵، شماره ۴، ص ۲۳-۳۵.



۴۶. شریفی، عنایت‌الله، ۱۳۸۹ش، اخلاق سیاسی از منظر نهج‌البلاغه، *رهیافت انقلاب اسلامی*، شماره ۱۳، ص ۸۷-۱۰۴.
۴۷. شریفی، محمد و فایق، مجتبی، ۱۳۹۵ش، آسیب‌شناسی اخلاق کارگزاران حکومت دینی در نهج‌البلاغه، *پژوهشنامه نهج‌البلاغه*، سال ۴، شماره ۱۵، ص ۲۰-۱.
۴۸. صالحی، اکبر و تهامی، رحیمه‌السادات، ۱۳۸۸ش، بررسی و تحلیل عوامل و موانع موثر در تربیت دینی بر مبنای سخنان حضرت علی علیه‌السلام در نهج‌البلاغه، *تربیت اسلامی*، سال ۴، شماره ۹، ص ۷۵-۹۴.
۴۹. ضیغمی، رضا؛ باقری نسامی، معصومه و همکاران، ۱۳۸۷ش، تحلیل محتوا، *پرستاری ایران*، دوره ۲۱، شماره ۵۳، ص ۴۱-۵۲.
۵۰. طاهری، ابوالقاسم، ۱۳۸۰ش، آسیب‌شناسی حکومت دینی از دیدگاه نهج‌البلاغه، *پژوهش‌های مدیریت راهبردی*، شماره ۲۳ و ۲۴، ص ۱۵۷-۱۹۰.
۵۱. عارف‌نژاد، ابوالقاسم، ۱۳۸۵ش، مردم‌سالاری دینی در نهج‌البلاغه، *بیک نور- علوم انسانی*، دوره ۴، شماره ۱۱۵-۱۰۷.
۵۲. علیخانی، علی‌اکبر، ۱۳۸۰ش، ویژگی‌های نخبگان سیاسی از دیدگاه امام علی علیه‌السلام، *اندیشه دینی دانشگاه شیراز*، دوره ۲، شماره ۳، ص ۴۵-۶۶.
۵۳. فرزند دهکردی، لطف‌ا... و ملائی، الهه، ۱۳۸۸ش، بررسی نظام ارزشی در مدیریت اسلامی و دیگر مکاتب، *راهبرد یاس*، شماره ۱۷، ص ۱۶۶-۱۸۷.
۵۴. قاضی‌زاده، کاظم و حسینی، سید حمید، ۱۳۸۹ش، تحلیل فرایند تحول ارزش‌های اجتماعی در نهج‌البلاغه با رویکرد جامعه‌شناختی، *علوم اسلامی*، سال ۵، شماره ۲۰، ص ۱۳۳-۱۶۱.
۵۵. قنبری، بخشعلی، ۱۳۹۰ش، اخلاق ایجابی عرفانی به روایت ترزا آویلابی و جلال‌الدین مولوی، *پژوهشنامه ادیان*، سال ۵، شماره ۱۰، ص ۱-۲۷.
۵۶. کرد حیدری، راحیل و امینی، سید جواد، ۱۴۰۳ش، بررسی ویژگی‌های بینشی، گرایش‌های و کنشی مدیران از منظر نهج‌البلاغه: فراترکیب متون، *مطالعات دین، معنویت و مدیریت*، سال ۱۱، شماره ۲۱، ص ۶۱-۸۵.



۵۷. گل صنم‌لو، زین العابدین و موحدی محب، عبدالله، ۱۳۹۰ ش، حکومت و حقوق متقابل مردم و زمامداران در نهج البلاغه، *مطالعات تفسیری*، سال ۲، شماره ۷، ص ۱۲۷-۱۵۲.
۵۸. محقق، حسین و صحابت انور، سعید، ۱۳۹۶ ش، روابط اجتماعی و اخلاق از دیدگاه حضرت علی علیه السلام در نهج البلاغه، *پژوهشنامه نهج البلاغه*، سال پنجم، شماره ۱۸.
۵۹. مردانی، مهدی، ۱۳۸۹ ش، «لغزشگاه‌های اخلاقی از منظر امام علی علیه السلام با تأکید بر نهج البلاغه». در علوم قرآن و حدیث: *پژوهش‌های نهج البلاغه*، سال ۸، شماره ۳۰، ص ۱۶۹-۱۴۷.
۶۰. مرزوقی، رحمت‌الله و لناری نژاد، عباس. (۱۳۸۶). «تربیت اجتماعی از منظر نهج البلاغه». در تربیت اسلامی. سال ۲، شماره ۴، ص ۱۹۲-۱۶۳.
۶۱. مشرف جوادی، محمدحسین و ابوطالبی، محمدمهدی، ۱۳۹۰ ش، بررسی شاخص‌های عدالت سازمانی در نهج البلاغه با تأکید بر فرمان امام علی علیه السلام به مالک اشتر، *مدیریت اسلامی*، شماره ۱، ص ۱۱-۳۶.
۶۲. موسی زاده، زهره و عدلی، مریم، ۱۳۸۷ ش، معیارهای انتخاب و انتصاب مدیران با رویکرد شایسته‌گزینی در نهج البلاغه، *اندیشه مدیریت*، سال ۳، شماره ۱، ص ۱۰۳-۱۳۲.
۶۳. نوایی، علی اکبر و موسوی، سید حسین، ۱۳۹۰ ش، ساختار حکومت در نهج البلاغه، در علوم قرآن و حدیث: *مطالعات تفسیری*، سال ۲، شماره ۶، ص ۱۷۱-۱۹۴.
۶۴. همامی، عباس و دیانی دردشتی، اکرم، ۱۳۸۵ ش، آسیب‌شناسی مدیریت سیاسی حاکمان و زمامداران با تأکید بر سیره حکومت امام علی علیه السلام، *پژوهش دینی*، شماره چهاردهم.
۶۵. یعقوبی، ابوالقاسم؛ عروقی موفق، اکبر و فتحی، فتانه، ۱۳۹۷ ش، سبک‌های مدیریت در نهج البلاغه، *پژوهشنامه نهج البلاغه*، سال ۶، شماره ۲۱، ص ۵۷-۷۶.
66. Neibert, Peter J. (2004). *The Essential Elements of a Post-Certification Graduate Athletic Training Programs: A Ground Theory*. McCaslin, Mark L., University of Idaho. pp.1-148.
67. Strauss, Anselm & Corbin, Juliet M. (1998). *Basics of qualitative research: Techniques and procedures for developing grounded theory*. 456 Pages. (2nd ed). Thousand Oaks, CA: sage.

68. Corbin, Juliet M. & Strauss, Anselm. (1990). Grounded theory research: Procedures, canons and evaluative criteria, *Qualitative Sociology*, 13(1), pp.3-21.
69. Merriam, Sharan, B. (1988). *Case Study Research in Educations: A Qualitative Approach*. (1st ed.). San Francisco: Jossy-Bass. 226 pp.

